رستاخیز — ورزش

شماره ۶۳۱ ـ شنبه ۱۴ خرداد ماه ۲۵۳۶ ـ صفحه ۲۳

پرسپولیس، شهباز- پرونده‌سازی ادامه دارد!

شاید سلمانی هم به دادگاه بیاید!

یك شهبازی: این یك شوخی است. مدارك را خودمان به پرسپولیس داده‌ایم.

مداخله در کار داور غلط است. اما اگر داور دخالت کرد چی؟

پنالتی بود یا نبود؟

مچ‌دست «مرتنس» ایتالیا را راحت کرد!

مولگو ـ ایتالیا ـ «فردی مرتنس» بشدت از درد ناله‌میکند. او در حالیکه مچش را گرفته، داد و هوارش بآسمان رفته. مرتنس ستاره بلژیکی، همان که بادرخشش خیره کننده‌اش، مسابقات دوچرخه سواری «دور ایتالیا» را بکام ایتالیائیها تلخ کرد، در جریان رقابت های‌دور هشتم از مچ‌دست آسیب دید: او و هموطنش «هنری وان‌لیندن» که قصد داشتند از یکدیگر از خط پایان عبور کنند، بعلت برخورد، هر دو آسیب دیدند. در این میان مرتنس‌که جانشین ادی‌مرکس دوچرخه سوار جاودان بلژیك، نامیده میشود، بعلت ترك خوردن مچش از ادامه راه بازماند. او بافتح دور های اول، دوم، سوم، چهارم و ششم و هشتم واقعا حال ایتالیائی ها را گرفته بود. برای همین بود که وقتی مسابقات را ترك کرد، دوچرخه سواران‌دیگر، نفسی براحتی کشیدند. چرا که اگر او میماند و بهرشکلی و طریقی ادامه میداد، امکان پائین کشیدنش از صدر واقعا بعید بود. ولی حالا با نبود او، ایتالیائی ها ترکتازی میکنند.

بلژیکی‌ها از پیشتازی

ایران تا صبح امروز

جوانان ۱-۲ سپید رود را شکست دادند

رشت ـ تیم ملی فوتبال جوانان در حضور بیش ۷۰۰۰ تماشاگر تیم‌سپیدرود را شکست داد. جوانان تنها در نیمه اول درخشان بودند و این شادابی نسبی آنها موجب شد که در دقایق ۱۳ و ۲۸ توسط کارگر و حیدری به ۲ گل دست یابند. اما در نیمه دوم سپیدرود درخشید بطوریکه ملی‌پوشان جوان فشار سنگینی را متحمل شدند. در دقیقه ۷۴ رسول حق‌دوست تنها گل سپیدرود را بثمر رساند. باتمام برتری‌های سپیدرود در این نیمه و موقعیتهایش، بازی ۲ بر ۱ به نفع تیم ملی جوانان پایان یافت. در تیم‌جوانان، درخشان و کارگر خوب بودند. و ستاره‌ی تیم سپید رود جاوید جهانگیری بود.

منصور رشیدی: من بامریکا برمیگردم

احتمالا منصور رشیدی بامریکا بازمیگردد. بازیکن تازه بازگشته که در تهران اوضاع را چندان مناسب و ملچسب نمی‌بیند، تصمیم گرفته تا به تیم لوس آنجلس خود باز گردد، او که دیشب برای گرفتن رضایتنامه به باشگاه تاج رفته بود با خشم بازگشت. او دیشب به رستاخیز چنین گفت: من بخاطر تیم ملی به تهران آمدم چون واقعا در فرم هستم. تاکنون هرگز خود را اینچنین آماده و سرحال ندیده‌ام، با وجود مزایای عالی و زندگی راحت در تیم امریکائی، علایق تمام نشدنی من به تیم ملی آنچنان بود که تصمیم گرفتم در یکی از تیمهای تخت جمشیدی عضویت‌پیدا نمایم. چون رضایتنامه تاج فقط برای سفر به خارج اعتبار داشت و از آنجائیکه تاجی ها در لیست خود اسم مرا رد کرده‌اند، رفتم باشگاه تا تکلیفم را روشن کنم، اما در آنجا حرف هائی بمن زدند که گوشم سوت کشید. او گفت در باشگاه بمن گفتند اگر رضایتنامه ایرانی می‌خواهی ۲۵ هزار تومان بده وگرنه باید صبر کنی تا این چند ماه هم تمام شود، بعد هرجا خواستی‌برو. رشیدی خیلی حرفها زد که چاپ آن مناسب نیست، با اینکه بازیکن سخت پافشاری کرد. رشیدی در اردوی تیم ملی زندگی می‌کند.

جهان تا صبح امروز

قرارداد امضا کرده) امضای او را نادیده بگیرد و یا تاجی‌ها با استفاده از بی‌اعتباری قراردادهای قدیمی از این مانع بگذرند با این حال هم پیراهن تاج را راحت بر تن این بازیکن نخواهند دید. پاس خیلی محکم به بازیکن خود چسبیده و می‌کوشد با قراردادی که در دست دارد هر دو دام پهن شده را از سر راه تاج و پرسپولیس بردارد. در فدراسیون فوتبال آنهایی که قرارداد دانایی‌فرد را دیده بودند می‌گفتند مدت قرارداد سه ساله است اما در آن خط خوردگی زیاد دیده می‌شود (مخصوصاً در کادر زمان قرارداد) که همین امر سند پاسی‌ها را زیاد با اعتبار نمی‌نماید. خود بازیکن می‌گوید قراردادم با پاس دوساله بوده، اگر سه ساله‌اش کردند من خبر ندارم.»

البته تاج فقط با مشکل این دو بازیکن مواجه نیست. به دنبال سفر منصور رشیدی به امریکا، مسعود مژدهی هم به هر شکلی که بود رضایتنامه‌اش را برای سفر به ینگه دنیا گرفت. در رضایتنامه‌ای که تاج برای این بازیکن صادر کرده قید شده که تنها برای سفر به خارج معتبر است و اجازه بستن قرارداد با باشگاه‌های داخلی را ندارد. مژدهی هنوز یک سال به تاج بدهکار است و چنانچه به ایران برگردد باید یک سال برای این تیم بازی کند. سعید باغوردانی هم مشکل تازه تاجی‌ها است. مدافع میانی این تیم که یک سال در لباس محرومیت بود مورد غضب مربی تاج قرار گرفت و به حالت قهر از جمع بازیکنان خارج شد. او وقتی فشار تمرین و انضباط سخت جانشین رایکوف را دید به او اعتراض کرد و گفت: «من نمی‌توانم این همه فشار سنگین را تحمل کنم. ما که حرفه‌ای نیستیم.»

این در حالی است که پرسپولیس هم مثل تاج اوضاع آشفته‌ای دارد. در اینجا هم شورش چند تن از بازیکنان قدیمی موجب این آشفتگی شده. پس از بهرام مودت که به سپاهان رفت، مشکل محمود خوردبین و صفر ایرانپاک هم حل نشده. برخلاف اینکه می‌گفتند خوردبین با پرسپولیس قرارداد امضا کرده، این بازیکن با حالتی برافروخته و چهره‌ای ناراحت در فدراسیون فوتبال جیغش درآمده بود که چرا بدون اطلاعش قراردادی تنظیم و در پرونده بازیکنان پرسپولیس قرار داده‌اند؟ او می‌گفت: «من که در این چندین سال با پرسپولیس هیچ قراردادی امضا نکرده‌ام و از این بابت پولی هم دریافت نداشته‌ام. حالا که می‌خواهم نظیر دیگر بازیکنان قرارداد ببندم به من می‌گویند یک سال دیگر از قراردادم مانده. وقتی این قرارداد صوری را دیدم از تعجب شاخ درآوردم. از باشگاه با عجله به فدراسیون آمدم. در اینجا قراردادی دیدم که بدون امضا بود و فدراسیون در جوابم گفت که قرارداد بدون امضا ارزشی ندارد؟» خوردبین هنوز علاقه‌مند است که در باشگاه خود بماند اما نه به قیمت ارزان. او می‌گفت: «مگر حراجی شده که با قیمت ۲۵ هزار تومان قرارداد ببندم؟ من ناسلامتی بهترین بازیکن این تیم بودم و تا وقتی که پایم آسیب ندیده بود بهترین گلزن جام بودم. اگر باشگاه مرا نمی‌پسندد رضایتنامه بدهد تا به باشگاه دیگری بروم.»

اما بشنوید از پاس که مسأله محمد صادقی را حل کرد. نماینده این باشگاه که پای پلکان هواپیمای اختصاصی تیم ملی در مهرآباد برای سفر به اردوی بندرعباس نتوانسته بود بازیکن را راضی کند، به بندر رفت و در آنجا امضای صادقی را گرفت. البته نه آنطوری که پاس می‌خواست. بلکه به همان شکلی که بازیکن درخواست نموده بود. یعنی ۶۰ هزار تومان برای دو سال و ماهیانه ۳۵۰۰ تومان. صادقی گفت چون نماینده باشگاه این همه راه دور و دراز را آمده بود دلم نیامد دست خالی برگردد.

> **ملوان با چشمان گرد شده از تعجب، چیزی را دید که اصلاً باور نمی‌کرد - اصلاً باور نمی‌کرد- یک چک به مبلغ چهارصد هزار تومان از سوی مقامات نیروی دریایی شمال که این روزها موجب مسرت و امیدواری فراوان بهمن صالح‌نیا شده است. مربی ملوان با این مبلغ قابل توجه، هم می‌تواند بازیکن‌های خود را راضی کند و هم می‌تواند از تهران یک بازیکن برای خود انتخاب کند**

بانک ملی برخلاف سال‌های گذشته روزهای آرامی را دارد و تا کنون صدای ناخوشایندی از این باشگاه بلند نشده اما در داخل این تیم پچ‌پچه‌ها و زمزمه‌های مخفیانه چنین می‌نماید که بانک در روزهای آینده آبستن حوادث تازه‌ای است. گرچه رجب فرامرزی با خاطرجمعی و قاطعیت می‌گفت که در این تیم آب از آب تکان نمی‌خورد و ما هیچ بازیکن غریبه‌ای را به خدمت نخواهیم گرفت و آنقدر جوان پرمایه داریم که محتاج دیگران نشویم ولی بازیکنان این تیم به خاطر بدقولی مسئولان، طرح کودتایی ناگهانی را پی‌ریزی می‌کنند. بازیکنان می‌گویند وقتی تیم در حال سقوط بود به ما قول‌هایی دادند که تا کنون هیچ‌کدام‌شان جامه عمل نپوشیده. این یک کشمکش داخلی است که هنوز صدایش به بیرون نکشیده و امید است بی سر و صدا موضوع فیصله یابد.»

روزنامه رستاخیز در گزارش بعدی خود پیرامون فصل نقل و انتقالات با منصور امیرآصفی گفت‌وگو کرده و از قول او نوشت: «ما به هیچ چیز جز همراهی اعضای شایسته و قدیمی تیم اعتقاد نداریم اما این دوستان و یاران سابقه‌دار علاقه‌ای به حمایت از تیم خود نشان ندادند. من شخصاً با آقایان مودت و ایرانپاک بسیار صمیمانه به گفت‌وگو نشستم و ضمن تشریح مشکلات واقعی تیم به آنها پیشنهاد دادم که برای یک سال قرارداد ۲۵ هزار تومانی امضا کنند و ماهیانه نیز حقوق دو هزار تومانی بگیرند و بدون شک هم پاداش‌هایی در طول سال خواهند گرفت که در مجموع برای یک سال حدود شصت هزار تومان می‌شود اما آنان نپذیرفتند و ما در نهایت صفا و صمیمیت از هم جدا شدیم. در حالی که خود این دوستان ما بهتر از هر کس باور دارند که با فرم عالی و دلخواه قبلی‌شان بی‌اندازه فاصله دارند. بنابراین و در حقیقت خودشان نخواستند، نه اینکه پرسپولیس نخواهد.»

امیرآصفی همچنین از مذاکره‌اش با منصور رشیدی، پرویز قلیچ‌خانی و ایرج دانایی‌فرد پرده برداشت.

خبرنگار رستاخیز با اشاره به سختگیری‌های وحشتناک حشمت درباره حضور دلالان در اطراف تیم ملی در اردوی بندرعباس نوشته که: «اگر چشمم به چشم واسطه‌ها بخورد آنها را به دریا خواهم انداخت تا طعمه کوسه‌ها شوند.» این خبرنگار توضیح داده که: «من در فرودگاه مهرآباد در حین اعزام تیم ملی به اردوی بندرعباس با چشم خود چند بازیکن را دیدم که قرارداد سفید به همراه می‌بردند. این یعنی آنکه باشگاه به بازیکن خود مأموریت داده تا همبازیانش را در تیم ملی غر بزند. معلوم نیست حشمت مهاجرانی چگونه می‌تواند مانع این کار شود. وقتی هم‌اتاقی‌ها مأموریتی اینچنینی را انجام دهند دیگر چه کاری از دست مربی ملی ساخته است؟»

روزنامه رستاخیز درباره ایرج دانایی‌فرد نیز نوشته است: «بشنوید از ایرج دانایی‌فرد که با همه سکوت و سر به زیری‌اش چه آتشپاره‌ای است. او چند روز پیش در اهواز با باشگاه پرسپولیس مذاکره کرد و به این تیم پیوست. حتی قرارداد هم امضا کرد اما یک روز قبل از عزیمت به بندرعباس سر و کله‌اش در باشگاه پاس آفتابی شد و قراردادی دیگر را به امضا رساند. گرچه به نظر می‌رسد که بازیکن دو امضایی بار دیگر روابط دو باشگاه پایتخت را تیره سازد ولی مدیر باشگاه تاج گفت که او از ابتدا در باشگاه ما فوتبالش را آغاز کرده و پدرش نیز در باشگاه ما سال‌هاست فعالیت دارد. قراردادی که با باشگاه پرسپولیس در اهواز بسته فاقد اعتبار است چون روی فرم‌هایی منعقد شده که فدراسیون آن را باطل اعلام نموده و این قرارداد نمی‌تواند مشکلی برای دانایی‌فرد ایجاد نماید. دانایی‌فرد با همان مبلغی که با پرسپولیس امضا کرده بود با تاج امضا کرد.

اما بشنوید از تهرانجوانی‌ها که بالاخره چند آدم خیر و نیکوکار هم پیدا شدند تا زیر پر و بال این تیم را بگیرند. تیم قدیمی تهرانی که در نداری غوطه‌ور بود و به سختی روی پایش بند می‌شد، با کمک چند بازیکن و دوست قدیمی که مبلغ هشتصد هزار تومان روی باشگاه سرمایه‌گذاری کردند آرام و قرار گرفت اما با این خبر خوشحال‌کننده هنوز معلوم نیست که آقا فکری باز هم در تبریز و آن سرمای کشنده‌اش بند می‌شود و یا به باشگاهی که خود بنیانگذارش بوده برمی‌گردد؟

روزنامه رستاخیز در شماره ۷ بهمن ۱۳۵۵ طی گزارشی از تیم‌های سازنده پایتخت نوشت: «دیشب صدای انفجار بانک به گوش رسید. این صدا که در راهروهای فدراسیون فوتبال پیچید خیلی‌ها را تکان داد. تعداد زیادی از بازیکنان بانک ملی در فدراسیون به کمیته جام تخت جمشید رفته و استعفاهای‌شان را روی میز مسئول مربوطه گذاشتند. همه از هم می‌پرسیدند: این سکوت چگونه به آشوب تبدیل شده؟ آتش اختلاف در آغاز نیمه دوم جام تخت جمشید شروع شد و شکست‌های پیاپی ناشی از همین اختلافات بود. علت اصلی نفاق و تیرگی، پول بود. بانکی‌ها مزایای بیشتری می‌خواستند اما باشگاه به این خواسته‌ها توجهی نمی‌کرد تا اینکه از طرف مدیران بالا توجهی صورت گرفت و چند نفری را استخدام کردند. در هفته‌های آخر لیگ، آنها در رقابت با آرارات برای رهایی از سقوط چنان از ته جان می‌جنگیدند که لقب «به جان زده‌ها» را به اینان دادند. این تغییر ناگهانی بی‌علت نبود و معلوم شد که مدیران بانکی مدام به رختکن می‌آمده و قول‌هایی درباره شارژ بازیکنان می‌دادند. به طوری که آنها هم فکر می‌کردند اگر تیم‌شان سقوط نکند لابد هرکدام صاحب شعبه‌ای از بانک خواهند شد اما به محض اینکه بانکی‌ها به خواسته‌شان رسیدند و تیم در لیگ ماند بازیکنان هر چه انتظار کشیدند کسی به سراغ‌شان نیامد. رفت و آمدها به باشگاه نتیجه نداد و همه راه‌ها برای بازیکنان بسته ماند. یکی از بانکی‌های معترض می‌گفت: «آن همه قول داده‌اند، حالا می‌گویند ما آن حرف‌ها را زدیم که دلگرم به میدان بروید و شیر بشوید.»

پس از بانک ملی که اوضاعش به هم ریخت آرارات نیز این روزها سخت به هم پیچیده. گویی وبا در بین بازیکنان شیوع کرده و هر کس به سمتی می‌گریزد. سه بازیکن نخبه‌شان به هما رفتند. باغدیک می‌گفت هما حاضر شده برای یک سال سی هزار تومان بدهد. هما که برای چند ارمنی دستچین آغوش گشوده، خود با مشکلات دامنگیری دست و پا می‌زند. اگر سهام میرفخرایی و علیرضا خورشیدی در اردوی تیم ملی به دام دوستان همبازی نیفتند و قراردادی امضا نکرده باشند حداقل که شاهرخ مطیعی از دست‌شان خارج شده است. همایی‌ها به طور دسته‌جمعی -البته بدون ملی‌پوشان خود- مربی این تیم عسگرزاده را از کار برکنار کردند.

رستاخیز در همین شماره خود البته خبر مثبتی هم دارد و همه چیز را در نامردی و بی‌وفایی بازیکنان و کلوپ‌ها خلاصه نکرده است: «دیشب تمام بازیکنان ملوان باهم جمع شدند و تمامی‌شان قراردادهای سفید را امضا و تحویل بهمن صالح نیا دادند. مربی ملوان که از کار آنها به وجد آمده بود گفت اکنون باشگاه وظیفه‌ای بس دشوار در مقابل صداقت این جمع دارد و باید در مقابل این همه اعتماد به نحو شایسته‌ای به استقبال‌شان رفت و برای آنها مبالغی در نظر گرفت که گمان نکنند از سادگی و خلوص‌شان سوءاستفاده شده است.»

چند روز بعد خبر تکمیلی رستاخیز درباره ملوان چنین بود: «ملوان با چشمان گرد شده از تعجب، چیزی را دید که اصلاً باور نمی‌کرد -اصلاً باور نمی‌کرد- یک چک به مبلغ چهارصد هزار تومان از سوی مقامات نیروی دریایی شمال که این روزها موجب مسرت و امیدواری فراوان بهمن صالح‌نیا شده است. مربی ملوان با این مبلغ قابل توجه، هم می‌تواند بازیکن‌های خود را راضی کند و هم می‌تواند از تهران یک بازیکن برای خود انتخاب کند.»

۴

آن روزها نیز مثل امروز رقابت قرمز و آبی‌ها به حدی داغ و بریانی بود که مدیران و مباشران دو تیم برای بازیکنان همدیگر تور پهن می‌کردند. نمونه‌اش ایرج دانایی‌فرد و حسن

قلیچ‌خانی، لواسانی، فرزامی از عضویت باشگاه تاج استعفا کردند

آقایان پرویز قلیچ خانی، حسین فرزامی و مهدی لواسانی روز چهارشنبه از عضویت در تیم فوتبال تاج استعفاء کردند و رونوشتی از متن استعفاء نامه خود را هم برای ما فرستادند. متن هریك از این استعفاء نامه ها بشرح زیر است:

استعفانامه پرویز قلیچ‌خانی

تیمسار معظم سپهبد خسروانی. ریاست هیئت مدیره باشگاه تاج

با کمال احترام بعرض عالی میرساند. با استفاده از فرمایشات تیمسار معظم در جلسه بازیکنان تیم تاج که فرموده بودند هر بازیکنی میتواند استعفا داده و رضایت نامه دریافت نماید. بدین وسیله بخاطر سنگینی بازی های فراوان و ناراحتی‌های‌خانوادگی و بعضی مسائل دیگر که بارهاشفاها بعرض رسانده‌ام، با اجازه از این تاریخ از عضویت تیم تاج استعفا داده و سعی میکنم در زندگی از هواداران تیمسار محترم باقی بمانم.

با تقدیم شایسته‌ترین احترامات
پرویز قلیچ‌خانی